

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

## جامعه شناسی عمومی

استاد محترم: جناب آقای علی پالیزبان

بر اساس کتاب آنتونے گیدنز

توجه - توجه - توجه

این جزوه درسی ارائه شده توسط استاد نیست

و صرفاً یادداشت های کلاسی است و قطعاً خالی از اشکال نیز نمی باشد

با تشکر از شما

گرد آورنده: حسین قدمی

## مفاهیم کلی جامعه شناسی :

شکل های گروه ها : ( خانواده، دوستان، ... )

- در گروه بد و خوب ارزش پیدا می کند.
- فرآورده ی این گروه ها : ارزش، سنت، آداب و رسوم می باشد.

جامعه شناسی : بررسی علمی زندگی گروهی انسان هاست.

منظور از گروه مرجع چیست؟ گروهی که همه ی جامعه به آن نگاه می کند. مثل : ورزشکاران، مخاطبان و ...

## فواید جامعه شناسی :

۱. تحلیل محیط اجتماعی
  ۲. شناخت گروه های اجتماعی : چه آن هایی که تماس داریم و چه آن هایی که تماس نداریم.
  ۳. آشنایی با محیط ها و فرهنگ های دیگر
  ۴. شناسایی دیدگاه های متفاوت از دیدگاه خودمان
  ۵. شناسایی دیدگاه هایی که بر ما اثر می گذارد.
  ۶. پیش بینی رفتار افراد در اجتماعا
  ۷. از بین بردن تعصب ها و پیش داوری ها که مانع انعطاف پذیری بیشتر می شوند.
  ۸. شیوه شناسایی، شیوه نگرش و ابراز واکنش مناسب به چهره دگرگون واقعیت های جهان
- برای بررسی هر جامعه نباید، اعتقادات خودمون و اعمال کنیم. از اعتقادات خودمون بیاییم بیرون و فکر کنیم. محقق باید بی طرف باشد و داشته ها و دانسته های خود را اعمال نکند. نباید فوراً + یا - بگذاریم زیرا باید منطقاً فکر و بررسی گردد.

## انواع علوم :

۱. علوم طبیعی : به مسائل مادی می پردازد و قابل اندازه گیری است. (مانند : برق، مکانیک و ...)
۲. علوم انسانی ( اجتماعی ) : پیچیده است و به عرصه پهناور رفتار و ذهنیت انسان می پردازد. (مانند : روانشناسی، جامعه شناسی و ...)

این را باید بدانیم : یک شخص در شرایط مختلف، جواب های مختلف می دهد. به طور مثال از آقای بپرسیم حق خانم ها چیست؟ در مقابل خانمش، دوستش و مصاحبه تلویزیونی جواب های مختلف می دهد.

### شرایط روش علمی : اولاً باید از هر جهت بی طرف باشیم

۱. شواهد تحقیق پذیر داشته باشند.
۲. حقیقت مطلق نداریم ( درسته که از نظر ما مسلمانان خدا حقیقت مطلق است ولی باید برای تحقیق علمی این را نیز مد نظر داشته باشیم تا کاملاً بی طرف تحقیق نماییم.)
۳. بی طرفی اخلاقی از جهت ارزشی : نباید ارزش ذهنی خودمون و القا کنیم.
۴. عینیت : دیدن و عین آن را انتقال دادن؛ همچنین، عین همان چیزی را که باید بسنجیم، بسنجیم، نه چیز دیگر را ...
۵. روش های تحقیق باید استاندارد و دقیق باشد.
۶. مهارت حرفه ای داشته باشد
۷. شرایط کنترل شده باشد : زیرا اگر افرادی که مورد آزمایش هستند، بفهمند که زیر نظر آزمایش هستند، به گونه ای دیگر عمل خواهند کرد.

تاریخچه علم جامعه‌شناسی :

: ۱۸۳۸

آگوست کنت : فلسفه اثباتی را بیان کرد و در آن کلمه جامعه‌شناسی را بازگو نمود.

جامعه‌شناسی : باید بر مبنای شواهد درست طبقه‌بندی شده باشد.

: ۱۸۷۶

هربرت اسپنسر ( Herbert Espenser ) – « نظریه‌ی تکامل اجتماعی را بیان نمود. ( جامعه در حال رشد کردن است. از جوامع سنتی به جوامع صنعتی؛ و از جوامع صنعتی به ... این یعنی آنکه جامعه در حال تکامل می‌باشد.

: ۱۸۸۳

لستر وارد ( Lester vard ) – « جامعه‌شناسی پویا : پیشرفت اجتماعی از طریق کنشهای اجتماعی و با هویت جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد.

: ۱۸۹۰

امیل دورکیم ( Emil Durkhim ) – « اصول و قواعد جامعه‌شناختی :

- یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی است.
- او مجله جامعه‌شناسی درست کرد.
- از نظر او : اشتراک باورها باعث انسجام می‌شود.

: ۱۹۰۵ : انجمن جامعه‌شناسی آمریکا تشکیل شد.

۱۸۶۴-۱۹۲۰ : مارکس وبر ( Marx Weber ) – کتابی به نام اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌گذاری نوشته است.

به طور خلاصه :

آگوست کنت ( ۱۷۹۵-۱۸۷۵ ) : نظریه هایش روی امیل دورکیم ( Emil Durkhim ) اثر گذار بود.

امیل دورکیم ( Emil Durkhim ) ( ۱۸۵۷ - ۱۹۱۷ ) : او نظریه کارکرد گرایی را بیان نمود.

کارل مارکس ( Karl Marx ) ( ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳ ) : او نظریه مارکسیسم را بیان نمود.

مارکس وبر ( Marx Weber ) ( ۱۸۶۴ - ۱۹۴۰ ) : نظریه هایش روی جرج هربرت مید ( ۱۸۶۳ - ۱۹۳۱ ) اثر گذار بود.

جرج هربرت مید ( ۱۸۶۳ - ۱۹۳۱ ) : نظریه کنش متقابل نماید را بیان نمود.

درکل : جامعه شناسی یعنی این چند نفر که بیان کردیم.

کمک علم جامعه شناسی :

۱. اطلاع از تفاوت های فرهنگی :

- فهم درست از اینکه دیگران چگونه زندگی می کنند.
- برخورد درست کرده و تصمیم درست بگیریم.

۲. ارزیابی نتایج سیاست ها : منظور سیاست جامعه نیست ، کلاً سیاست ، منش و ...

۳. ایجاد خودروشنگری : فهمان بیشتر می شود در نتیجه در خصوص جامعه ی آینده تصمیم گیری بهتری می کنیم.

## آگوست کنت : پدر علم جامعه شناسی :

- در ابتدا بیان می کرد : فیزیک اجتماعی، سپس کلمه ای را تولید کرد به نام : جامعه شناسی
- انقلاب فرانسه و بعد از آن رشد صنعتی در زمان او اتفاق افتاد
- هدف او این بود : ایجاد دانش جدیدی برای تبیین تغییرات اجتماعی – « این هدف در کل هدف جامعه شناسی است.
- او می گوید : جامعه شناسی یک علم اثباتی است. یعنی یک نظریه را بیان می کنیم، سپس با آزمایش و روش های علمی آن را اثبات می کنیم.
- باید از روش های دیگر علوم نیز استفاده کنیم تا در نتیجه کار دقیقی انجام دهیم و سنجش دقیقی داشته باشیم.
- او می گوید : جامعه شناسی آخرین حلقه از زنجیر تکامل علم است.
- جامعه شناسی پیچیده ترین علم است.
- او می گفت : در پی تشکیل جامعه صنعتی و صنعتی شدن اروپا، یک نابرابری ایجاد می شود. از این رو می خواست یک انسجام و وفاق اجتماعی ایجاد کند که این نابرابری را از بین ببرد یا با آن مقابله کند.
- او می گفت : باید یک دین انسانیت ایجاد کنیم.

## قانون یا مراحل سه گانه آگوست کنت :

۱. الهیاتی ( Theological ) : تحت تصورات دینی است و بیان می کردند جامعه نمادی از مشیت خداست.
۲. متافیزیکی : تأثیر جهان ماورایی بر زندگی انسان ها
۳. اثباتی : دوره ی تشویق کاربرد علوم و فنون در زندگی ؛ مانند کپرنیک، گالیله، نیوتون

هدف همه علوم : شناسایی قوانین جهان و طبیعت می باشد. زیرا می خواهیم :

زیرا به ما **قدرت** می دهد. و در این صورت، رفاه و سعادت سراغ ما می آید و به سرنوشتمان حاکم می شویم.

- راحت تر برنامه ریزی
- راحت تر کمتر کنیم
- راحت تر پیش بینی کنیم

امیل دورکیم ( Emil Durkhim ) : باید "وقایع اجتماعی" را مانند اشیاء مطالعه کنیم.

- او سه موضوع مهم را بیان نمود :
- ۱. اهمیت جامعه شناسی به عنوان یک علم تجربی
- ۲. پیدایش فرد و فردیت و شکل گیری نظم نوین اجتماعی
- ۳. ریشه های اقتدار اخلاقی در جامعه
- او اصلی ترین دغدغه اجتماعی را : مطالعه وقایع اجتماعی می دونست.
- وقایع اجتماعی یعنی : شیوه عمل کردن، شیوه اندیشیدن، شیوه احساس کردن
- وقایع اجتماعی چیزی در درون انسان نیست، بلکه مربوط به دنیای خارج او می باشد.
- امیل دورکیم به انسجام اجتماعی و اخلاقی اشاره می کند و می گوید :
- انسجام اجتماعی و اخلاقی زمانی اتفاق می افتد که افراد با موفقیت در گروه های اجتماعی شرکت کنند و مجموعه ای از ارزش ها و آداب و رسوم و هنجارها ایجاد شده و پذیرفته می شود.

امیل دورکیم کتابی را در سال ۱۸۹۳ به چاپ رساند به نام : تقسیم کار در جامعه؛ او در این کتاب بیان کرد :

**ما دو نوع انسجام داریم :**

**۱. انسجام مکانیکی :**

- در جوامعی که فرهنگ سنتی دارند اتفاق می افتد
- همان تجربه مشترک و عقاید مشترک است.
- در این انسجام، اختلافات فردی کم است و در صورت اختلاف، این انسجام یک نیروی سرکوب گر خواهد شد.

**۲. انسجام ارگانیکی :**

- در زمانی اتفاق افتاد که نیروی بزرگ صنعتی شدن و شهر نشینی اتفاق افتاد
- در نتیجه چاره ای نیست و باید تقسیم کار صورت گیرد.
- پس انسجام مکانیکی از بین خواهد رفت.
- در این انسجام، مردم به هم وابستگی دارند.

- و یک ارگانیسم می شوند. مانند بدن انسان، که باهم کار می کنند ولی کار دیگری، بر دیگری اثر می گذارد.
  - در انسجام ارگانیکی، هر کس نیازمند کالاها و خدمات سایر مشاغل است. پس در نتیجه وابستگی اقتصادی داریم.
  - انسجام ارگانیکی بر اساس روابط متقابل اقتصادی اتفاق می افتد.
- مثلاً خودکشی یک واقعه ی اجتماعی است که به سه بخش تقسیم می شود :

۱. خودکشی خود خواهانه : خسته شدم و خودم را می کشم
۲. خود کشی دگر خواهانه : عین عملیات شهادت طلبانه
۳. تقدیر گرایانه : تقدیر من این بود که خود کشی کنم.

#### کارل مارکس : نظریه مارکسیسم برای اوست که از اسمش گرفته شده است.

- از نظر او همه چیز اقتصادی است.
- او می گوید : پس از انقلاب صنعتی، رشد کارخانه ها ایجاد شد و در نتیجه باعث نابرابری شد و طبقات مختلف ایجاد گردیدند.
- در نظریه او نظام سرمایه داری ( Capitalist ) بیان شد.
- نظام سرمایه داری، یک نظام تولیدی است که کالا ها و خدمات تولید انبوه می شوند و به طیف وسیعی از مصرف کنندگان فروخته می شوند.
- در نظام سرمایه داری دو عنصر داریم :
  ۱. سرمایه : هر چیزی که بتوانیم از آن پول در بیاوریم.
  ۲. کار دستمزدی : شغلی است که سرمایه دار خواسته است.
- از نظر مارکس در این نظام، سرمایه دار طبقه حاکم است و توده جمعیت مردم، طبقه کارگر می باشند.
- رابطه ی سرمایه دار و کارگر، رابطه بهره کشی و استعماری است.
- از نظر او : تغییر اجتماعی، با درک مادی گرایانه تاریخ معین می شود.
- او می گوید : تضاد بین طبقات، موتور محرکه جامعه بوده است.



- او بیان کرده است : تاریخ کل بشر از ابتدا تا کنون، نبرد طبقاتی بوده است.
- سپس نتیجه ی ایجاد این طبقات را اینگونه بیان می کند که : انقلاب کارگران حتمی است، نظام سرمایه داری سقوط خواهد کرد و باید نظام اقتصادی به طور جمعی و اشتراکی اداره شود.

### مارکس وبر ( Marx Weber ) :

- مارکس به مفهوم تغییر اجتماعی پرداخت.
- افکار و اندیشه های انسان، نیروی محرکه اجتماع یا همان تغییر اجتماعی است.
- در خصوص فهم تغییر اجتماعی می گوید : عوامل اقتصادی اهمیت دارند، اما سایر عوامل مثل اندیشه ها، ارزش ها، هنجارها، عرف، سنت و ... نیز بسیار مؤثر می باشند.
- از نظر مارکس، باید به کنش های اجتماعی توجه کرد
- او، ادیان را مورد بررسی قرار داد و جامعه شناسی دین را ابداع کرد.
- به نظر او، افکار و ارزش های فرهنگی در شکل گیری جامعه و شکل گیری کنش فردی مؤثر است.
- به نظر مارکس، جامعه انسان ها، به سمت عقلانی شدن در حرکت است، و به گفته ی او : عقلانی شدن، روح انسانی را له می کند.
- نظریه او در این خصوص این است که : هر چی صنعت پیشرفت می کند، آدم ها عقلانی تر موضوعات نگاه می کنند، و در نهایت، داخل جوامع، جایی برای احساسات، سنت و دین باقی نمی ماند.
- مارکس وبر، گسترش علم و فناوری را با عقلانی شدن، یکی می داند.
- نظر بسیار مهم مارکس وبر این است که : باید جامعه را به گونه ای اداره کرد که روح انسانی زنده بماند، ارزش ها و سنت ها باقی بمانند و رشد عقلانیت باعث از بین رفتن آن ها نشود.
- یکی دیگر از نظریه های مارکس وبر، بروکراسی است.
- بروکراسی، روشی برای اداره سازمان است. همه ی ارتباطات سازمانی مشخص می شود؛ جایگاه رئیس و زیردست معین و مشخص می گردد. در این نظریه چارت سازمانی بیان شد.

## فرهنگ ( Culture ) :

### برخی از معانی فرهنگ :

- معنی لغوی فرهنگ، به معنای کشاورزی و کشت و زرع بوده است.
- فرهنگ یعنی فرآیندی که در آن رشد طبیعی رخ می دهد.
- رشد انسانی و توسعه انسانی هم یک فرآیند حساب می شود.
- در نتیجه می توان گفتن : به مجموعه رشد انسانی، باورها و آداب و رسوم و ... فرهنگ می گویند.

### تعریف فرهنگ :

رابرت بارونسکی می گوید : تلاش برای تعریف فرهنگ، مانند تلاش برای به چنگ آوردن باد است.

ادوارد برنت تیلور در کتاب فرهنگ ابتدایی می گوید : فرهنگ، مجموعه ای شامل دانش ها، باورها، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم، و دیگر عادات و توانایی هایی که به عنوان انسان در جامعه داراست.

به طور کلی وقتی می گوییم فرهنگ، انواع کارهای فکری و ذهنی و همچنین کالاهای مادی ای که اعضای جامعه با فکر و ذهنشان تولید کرده اند، به ذهنمان می رسد. مانند، ادبیات، صنایع دستی، موسیقی و ...

آنتونی گیدنز فرهنگ را اینگونه تعریف می کند : فرهنگ، روشهای زندگی اعضای جامعه یا گروهی از جامعه است.

### نکات بسیار مهم از فرهنگ :

فرهنگ و جامعه به طور مستقیم با هم در ارتباطند. یعنی هم فرهنگ جامعه را می سازد، و هم جامعه فرهنگ را؛ در نتیجه اعضای جامعه بر اساس یک فرهنگ مشابه رفتار می کنند. از این رو هیچ جامعه ای بدون فرهنگ نیست و هیچ فرهنگی بدون جامعه وجود ندارد. اگر فرهنگ نبود، زبان، خودآگاهی، اندیشه و ... نیز نبود.

- فرهنگ از روابط متقابل بین انسان ها به وجود می آید.
- تنوع فرهنگی، از تنوع جوامع ایجاد می شود.

- فرهنگ، اکتسابی و آموختنی است.
- همه ی اعضای جامعه در آن شریک می باشند.
- چیزی به نام ضد فرهنگ نداریم. چرا که آن چیز نادرست در ذهن ما در آن جامعه فرهنگ حساب می شود.
- در فرهنگ، همکاری و ارتباط متقابل وجود دارد.

### فرهنگ دو جنبه دارد :

۱. جنبه محسوس یا ملموس : کالاهای مادی، اشیاء، نمادها، فناوری و ... - « نمود فرهنگی
۲. جنبه نامحسوس یا ناملموس : عقاید، ارزش ها، اندیشه ها و ... - « محتوای فرهنگی

فرهنگ		
نوع یا جنبه فرهنگ	معانی :	شرط آن :
غیر ملموس	نگرشها، اعتقادات، آداب و رسوم، ارزش ها، هنجارهای گروهی مردم	در میان مردم مشترک باشد.
ملموس	فعالیت های فرهنگی، محصولات فکری، هنری، اخلاقی و ...	* نوعی خلاقیت در آن ها وجود داشته باشد * به آفرینش و انتقال معانی نمادین پردازد. * دارای نوعی ویژگی عقلانی باشد.

### دو چیز از درون فرهنگ بیرون می آید :

۱. ارزش ها : یک سری احساسات ریشه دار هستند. برای همین، خوب، پسندیده و مطلوب اند.
- ارزش ها به فعالیت ها معنا می دهند.
۲. هنجارها : قواعدی برای رفتارهاست.

ارزش ها و هنجار ها در طول زمان تغییر می کنند.

ارزش + هنجار - « رفتار یک جامعه را شکل می دهند.

## جوامع و فرهنگ های آن ها :

جوامع تک فرهنگی : جوامع اولیه، جوامعی که مبتنی بر شکار و گردآوری خوراک ایجاد شده اند. همگی از نظر ظاهری یک شکل دارند و یک کار انجام می دهند.

جوامع همگون فرهنگی : همشون مثل هم فکر می کنند. همه یک شکل لباس می پوشند. مثل ژاپن و کره شمالی

## جوامع چند فرهنگی :

- جوامع صنعتی و پیشرفته می باشند که گوناگونی فرهنگی زیادی دارند.
- صنعت، جنگ، استعمار، برده داری، مهاجرت و ... باعث تولید جامعه ی چند فرهنگی می شود.
- در این نوع از جامعه پراکندگی جمعیتی داریم که نتیجه ی آن می شود که گروه های مختلف با فرهنگی های مختلف کنار هم زندگی می کنند.

## اجتماعی شدن :

- فرآیند مادام العمری است که انسان طی آن کنش ها و رفتارهای متقابل مشخصی را یاد می گیرد. این اجتماعی شدن، به او امکان می دهد که استعدادهای درونش را بشناسد و بروز بدهد و در حین آن به یادگیری پردازد.
- اجتماعی شدن یعنی آموختن نقش های اجتماعی
- نقش های اجتماعی : هر کس بر اساس موقعیت اجتماعی خودش از آن ها استفاده می کند : مانند : پزشک، دانشجو، روزنامه نگار، طراح و ...
- اجتماعی شدن یک فرآیند پویا است
- در حقیقت رسیدن به همان احساس هویت است.
- اجتماعی شدن، کمک می کند که خودمون بشناسیم و بگوییم : من کیستم !

## دو مرحله اجتماعی شدن داریم :

### ۱. اجتماعی شدن اولیه :

- به هنگام دوره طفولیت و کودکی می باشد.
- در خانواده رخ می دهد.
- بر اساس الگوهای رفتاری خانواده شکل می گیرد.
- یادگیری زبان رخ می دهد
- فشرده ترین دوره ی یادگیری انسان می باشد.

### ۲. اجتماعی شدن ثانویه :

- از دوره ی کودکی تا بلوغ یا انتهای عمر است
- ارزش ها و هنجارها را یاد می گیریم
- شامل کنش های متقابل انسان ها و ارتباطات است.
- الگوهای فرهنگی را یاد می گیریم

#### ۱. جوامع ماقبل مدرن یا جوامع مبتنی بر شکار و گردآوری خوراک :

- تک فرهنگی هستند
- تضاد فرهنگی در این جوامع وجود ندارد
- کسی دنبال ثروت نیست
- فقط به دنبال حل نیازهای خودشون
- کالاهای مادی این جوامع فقط ابزاری است که برای شکار است یا برای دفاع
- تفاوتی بین آدم ها وجود ندارد مگر بزرگ یا ریش سفید که مقامش از همه بالاتر است.
- هر کسی (چه مرد و چه زن) باید برای زندگی خودش تلاش کند.

#### ۲. جوامع دهقانی و شبانی (دام پروری) :

- از موقعی که انسان تصمیم به یک جانشینی گرفت، ایجاد شدند.
- این ها در جایی که سکونت داشتند، به پرورش حیوانات و گیاهان پرداختند.
- جوامعی مبتنی بر کشاورزی و دامپروری هستند.
- بیشترین دارایی هایشان، چهارپایان و مزارعشون می باشد.

#### ۳. جوامع غیر صنعتی (پیش از صنعتی) یا جوامع سنتی :

- انسان، از ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح شروع به ایجاد یک جامعه شهری کرد
- در این جوامع نابرابری ها و تضاد ها شروع می شود.
- طبقات مختلف اجتماعی تشکیل شدند.
- کتابت و نوشتن شروع شد
- کم کم علم و فرهنگ شکوفا شد
- نقطه ی آغاز تمدن ها از اینجاسات؛ قدیمی ترین تمدن ها : خاورمیانه، چین، روم، مصر، یونان
- فتح و غلبه ی نظامی و گرفتن زمین ها برایشون ارزشمند شد.
- همه پیشرفت را در زمین بود و خیلی کم داخل کارخانه ها می رفتند.

#### ۴. جوامع صنعتی – دنیای مدرن :

- تولید مهم می شود
- استفاده بهینه از منابع مثل : بخار، برق، انرژی و ...

- در این جوامع بیشتر به صنعت می پردازند و در شهرها زندگی می کنند.
- تعداد کمی در روستاها زندگی می کنند و در زمین ها کار می کنند.

### نظام های سیاسی ( پادشاهی، امپراطوری و ... ) در جوامع سنتی و صنعتی :

- در تمدن های سنتی، این نظام ها، خیلی در زندگی مردم اثر گذار نیستند.
- ولی در جوامع صنعتی نظام سیاسی بسیار مهم است و به آن دولت می گوئیم.

فضای سیاسی در جامعه مدرن، باعث ایجاد مرزبندی ها می شود و کشورها از هم متمایز می شوند. هر کدام از این کشورها، نگرش های خود را در جامعه القا می کنند. پس می توان گفت، حکومت ها در زندگی عمومی مردم اثر گذار هستند، چون اداره حکومت ها بر اساس قوانین صورت می گیرد؛ و مردم از آن تبعیت می کنند.

#### ۱. کشورهای جهان اول :

- در کل به کشورها پیشرفته و توسعه یافته می گویند.
- کشورهای توسعه یافته مثل امریکا، ژاپن و ...
- کشورهای پیشرفته مثل دولت های صنعتی اروپا و اقیانوسیه و ...
- نظام این کشورها، نظام سرمایه داری است و رقابت بسیار بالاست.
- اقتصادشون آزاد است.
- اصولاً چند حزبی اند و در شهرها و شهرک ها زندگی می کنند، البته تعداد کمی هم در روستاها زندگی می کنند.

#### ۲. کشورهای جهان دوم :

- کشورهای نسبتاً توسعه یافته اند، مثل : شوروی، اروپای شرقی، چک و اسلواکی و ...
- اقتصاد آزاد نداشتن
- همه چیز دولتی است و اگر چیزی هم دست مردم است دولت به آن ها اختصاص داده است.
- دولت تک حزبی و کمونیستی است.
- حدود ۷۵ سال، جهان، صحنه رقابت جهان اول و دوم بود و همیشه در حال نزاع نظامی بودند. (جنگ سرد)
- پس از فروپاشی شوروی، کلاً جهان دوم ها از بین رفتند

- روسیه، به عنوان قدرتمندترین این کشورها، خودش را تغییر می دهد و دموکراسی پیشه می کند.

### ۳. کشورهای جهان سوم :

- کشورهای در حال توسعه هستند مانند : آسیا غیر از ژاپن، آفریقا، امریکای جنوبی، ایران و ...
- اصولاً استعمار زده اند
- سعی می کنند مدل حکومتی غربی داشته باشند، کشاورزی دارند و تولید می کنند. اصولاً محصولات کشاورزی شون داخل کشورهای پیشرفته به فروش می رسد.
- تجارت و اقتصاد این کشورها به دو صورت است. برخی مثل جهان اول هستند و برخی مثل جهان سوم استعمار زده اند.

### ۴. کشورهای صنعتی نوپا :

- برخی کشورهای جهان سومی که پیشرفت صنعتی کرده اند. مثل : کره، برزیل و ...
- در این کشورها، امید به زندگی زیاد شده و فقر و مرگ و میر نوزاد پایین آمده است.
- این کشورها در حال جهان اولی شدن هستند.

### تغییر اجتماعی :

- به تغییر در مؤلفه های اساسی زندگی و جامعه می گویند. ( سبک زندگی تغییر می کند. )
- به طور مثال : قبلاً می رفتیم و حیوانات و شکار می کردیم، ولی الآن، حیوانات را پرورش می دهیم.
- به طور کلی وقتی تغییر تمدن داشته باشیم، قطعاً تغییر اجتماعی داشته ایم و خواهیم داشت.

### عوامل مؤثر در تغییر اجتماعی :

#### ۱. محیط مادی ( Physical Environment )

- یعنی محیطی که در آن زندگی می کنیم. ( قطب، استوا، شمال، جنوب و ... )
- اولین تمدن ها در جلگه ها و مناطق حاصلخیز تشکیل شد.
- محیط اطراف ما، بر تغییر اجتماعی اثر گذار است.



## ۲. سازمان سیاسی ( سازوکار سیاسی ) ( Political organization ) :

- کارگزاران سیاسی : حاکمان، پادشاهان، اربابان، دولت ها، حکومت ها و ...
- این امر بر توسعه زندگی، روش زندگی و در نهایت تغییر اجتماعی تأثیر گذار است.
- به طور مثال : قبل از انقلاب چگونه زندگی می کردیم؛ حال بعد از انقلاب چگونه زندگی می کنیم؟

## ۳. عوامل فرهنگی ( Cultural Factors ) :

- دین، رهبری، ارتباطات و ... عوامل نیرومند در تغییر اجتماعی هستند.
- **دین :**
  - \* باعث پیشرفت و ترقی می شود. - « مانند کشور مالزی
  - \* باعث عقب ماندگی می شود. - « مانند عربستان
  - \* مارکس وبر می گوید : دین برای سازندگی آمده است.
- **رهبری :**
  - \* فرآیندی تأثیر گذار بر روی تک تک افراد یک جامعه یا سازمان که با میل و اشتیاق خودشان، اهداف سازمانی را برآورده می کنند.
- **ارتباطات :**
  - \* ارتباطات باعث آن می شود تا اخبار، اطلاعات و تبلیغات جریان پیدا کند پس در روابط عمومی و افکار عمومی اثر گذار می شود.

## تغییر در دوره مدرن :

۱. **عوامل اقتصادی :** صنعت مدرن می شود و در نتیجه تولید گسترش یافته و درآمد افزایش می یابد و این جریان سریعتر رو به جلو رفته و حجم پول افزایش پیدا می کند.
۲. **عوامل سیاسی :** در بین ملت ها و دولت ها، مبارزه صورت می گیرد تا قدرت و نظام سیاسی، اجتماعی حاکم را تغییر دهند. در این جا فعالیت و عملکرد رهبران سیاسی و حکومت ها و دولت ها مؤثر است.
  - سیاست با اقتصاد رابطه مستقیم دارد.
۳. **عوامل فرهنگی :**
  - گسترش علم و دین
  - ایجاد دنیوی شدن

- تغییر در چگونگی طرز فکر و تفکر ( محتوای افکار)
- آزادی
- رسانه ها و ارتباطات

توضیحاتی در خصوص جهانی شدن، قبل از اینکه جلسه ی جهانی شدن شروع شود. اصل مطلب جهانی شدن در صفحه ی بعد می باشد. ولی این مطلب هم به جای خود مهم می باشد :

#### جهانی شدن :

- پیوند اقتصادی، اجتماعی شدید بین کشورهای دنیا بوجود آمده است. در نتیجه کشورها به هم نزدیک شده اند.
- بین امور محلی ( Local ) و امور جهانی ( Global ) پیوند شدیدی اتفاق افتاده است، و این دو رابطه ی مستقیم پیدا کرده اند. ( در چهل سال اخیر امور محلی به امور جهانی نزدیک شده است.)
- در یک شعار می گویند : جهانی بیاندیش، منطقه ای عمل کند. ( Think Globaly Act Localy )
- مانند حمل و نقل ( Trance Portation ) و فناوری اطلاعات و ارتباطات ( ICT: Information Communication Technology )
- جهانی شدن فرآیندی است که روابط اجتماعی و وابستگی های اجتماعی را تشدید می کند.
- جهانی شدن بیشتر از آنکه اقتصادی باشد پدیده ایست اجتماعی، ولی در عین حال اقتصاد در غالب آن پیشرفت می کند.
- هم پدیده ای است، محلی ؛ و هم پدیده ایست، جهانی
- بعد اقتصادی جهانی شدن :
- \* بیشترین سهمی که برای جهانی شدن قائلند بعد اقتصادی آن است. در نتیجه ی آن شرکت های فراملیتی یا چند ملیتی تشکیل می شود.
- \* ادغام الکترونیکی بازارهای مالی و پولی جهانی (کسب و کار مجازی)
- \* ایجاد تجارت جهانی

## جهانی شدن :

در خصوص جهانی شدن نظرات مختلفی است که برخی با آن موافق و برخی با آن مخالفند. آن‌هایی که مخالفند بهشون می‌گیم شک‌گرایان. شک‌گرایان می‌گن در خصوص موضوعی مانند جهانی شدن صحبت کردن خیلی مهم نیست. چون یک موضوع جدیدی نمی‌باشد. طبیعتاً ملت‌ها و کشورها همه سمت هم می‌روند و نزدیک می‌شوند. اینکه الان ارتباطشون بیشتر شده به خاطر استفاده‌ای است از نظر اقتصادی می‌برند. در نتیجه :

## از نظر شک‌گرایان :

جهانی شدن، موضوع جدیدی نیست و شدت ارتباطات بیشتر شده است. و منطقه به منطقه این ارتباط بیشتر شده است. مثل اتحادیه‌ی اروپا و ... . بنابر این می‌تونیم به جای جهانی شدن بگیم منطقه‌ای شدن.

این امر یعنی اقتصاد به سمت منطقه‌ای شدن پیش می‌رود، نه جهانی شدن.

جهانی شدن، یا منطقه‌ای شدن، باعث تضعیف شدن حکومت‌ها نشده و حکومت‌ها هنوز بازیگران اصلی این صحنه‌اند.

## از نظر افراط‌گرایان :

- جهانی شدن پدیده‌ای واقعی است و نتایج و پیامدهای آن را همه جا می‌توان حس کرد.
- جهانی شدن مرزهای ملی را تضعیف کرده است.
- جهانی شدن نظم نوین جهانی است.
- جهانی شدن یعنی، دنیای بدون مرز
- جهانی شدن یعنی، حکومت‌ها و کشورها، کنترل کمتری نسبت به اوضاع خود دارند. به خصوص اوضاع اقتصادی‌شان.
- جهانی شدن یعنی، قدرت، نفوذ و نقش حکومت‌ها رو به کاهش است.

## از نظر دگرگون‌گرایان :

- جهانی شدن باعث می‌شود، نظم دنیا در حال تغییر و شکل‌گیری مجدد است. اما هنوز، الگوهای قدیمی وجود دارند و پابرجا هستند.

- هنوز حکومت‌ها قدرتمند هستند گرچه تعامل و ارتباط و وابستگی اقتصادی کشورها به هم بیشتر شده است. جهانی شدن، شکل حکومت‌ها و اعمال مدیریت‌ها را تغییر می‌دهد.
- آن‌ها معتقدند که این تغییرات صرفاً اقتصادی نیست. در سیاست، اجتماع و فرهنگ نیز اثر گذار هستند.
- تغییراتی که داره اتفاق می‌افتد، از میان برداشتن مرزهای بین امر درونی و امر بیرونی است. (یا امر داخلی و امر بین‌المللی است.)
- جهانی شدن، موضوعی پویاست، یعنی انعطاف‌پذیر است و به آرامی اتفاق می‌افتد.
- جهانی شدن فرآیندی دو طرفه است.
- چیزی که از نظر آن‌ها جهانی شدن را بیشتر می‌کند: رسانه‌ها، مخابرات و مهاجرت‌هاست.
- شهرها چند فرهنگی هستند و فرهنگ‌های مختلف و اقوام مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند.

#### تأثیر جهانی شدن بر زندگی ما :

##### فردگرایی :

- مردم هویت خود را شکل می‌دهند.
- سنت‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود
- چهارچوب سنتی هویت از بین رفته است.
- زندگی‌ها بازتر و انعطاف‌پذیرتر می‌شود.
- حتی پوشش، خوراک و رفتار و مصرف و ... نیز تغییر کرده است.

##### الگوی کار :

کار محور زندگی بسیاری از انسان‌هاست و خیلی‌ها به کار می‌گویند بلای ضروری برخی کار انجام می‌دهند که به اهداف فردی برسند، و برای رسیدن به این امر شاید چندین کار تغییر دهد تا مهارت‌های مختلف و یاد بگیرد.

## فرهنگ عامه پسند :

ما در جهانی شدن از این راه پول در می آریم و آن را تبدیل کرده ایم به صنعت فرهنگ. مثل سینما، سی دی های آموزشی، چاپ مطبوعات و انتشارات و ...

این صنعت چون طرف حسابش مردم است و هدفش جلب مشتری است، از این رو به خاطر شما تغییراتی در آن ایجاد می کند. ( مثل ضبط که قبلاً صدایش و با دست عوض می کردیم حالا دکمه ها روی فرمون است.)

این نگرانی هست که جهانی شدن ما رو از فرهنگ های اصیل جامعه دور بکنه .

## جهانی شدن و مخاطره :

نتایج جهانی شدن و نمی شود دقیقاً پیش بینی کرد.

علاوه بر نتایج مثبت، نتایج منفی و خطر هایی را دارد. یکسری خطر هایی که قبلاً بوده ولی برخی از آن ها جدید می باشد.

چیزی که در جهانی شدن بسیار مهم است رشد صنعت است. وقتی می خواهیم خطرات آن را بگوییم؛ می گوییم مخاطرات صنعت :

### ۱. مخاطرات زیست محیطی :

- رشد تکنولوژی باعث دخالت هر چه بیشتر انسان در طبیعت می شود.
- رشد شهر نشینی تولید صنعتی و آلودگی های آن ، پروژه های کشاورزی در مقیاس های بزرگ، سد ها، نیروگاه های هسته ای، همه و همه موجب تخریب گسترده محیط زیست شده اند.
- ویروس کامپیوتری !؟

## جهانی شدن و نابرابری :

جهانی شدن داره پیشروی می کنه ولی این پیشروی نامتوازن است. از این رو باعث نابرابری می شود. این نابرابری مهمترین چالش جهانی شدن است.

این امر باعث شده فاصله ی بین جهان اول و جهان سوم بیشتر شده است. یعنی نابرابری بیشتر شده است.

متوسط در آمد یک پنجم از جمعیت جهان ۷۴ برابر یک پنجم جمعیتی است که در کشور فقیر است.

### نیاز به حکومت جهانی :

با پیشرفت جهانی شدن ساختار های و مدل های حکومتی موجود به تدریج دچار چالش و ضعف شدند. ارتباط پر زشتاب بین کشورها چه از نظر اقتصادی و چه نظر نظامی و فرهنگی و ... وجود مخاطره های زیست محیطی سیاسی - فرهنگی و بازارهای پولی و مالی و ... از عهده حکومت های تنها خارج است. و بسیاری از امور فراتر از کنترل حکومت های فعلی است. در نتیجه عده ای معتقدند که باید شیوه جدید مدیریت جهان ایجاد شود تا مسائل جهانی به شیوه جهانی حل و فصل شود.

مثال مشکلات جهانی و مدیریت جهانی : اتحادیه اروپا

### کارکرد گرایی : functionalism

اون چیزی که در کارکرد گرایی مهم است سودمندی پدیده است. ارزش هر پدیده بر اساس سود آن معین می شود.

- مجموعه فعالیت هایی که جهت برآوردن نیاز یا نیازها انجام می شود.
- اهمیت وفاق اخلاقی و نظم اجتماعی، انسجام اجتماعی
- نظم و تعادل طبیعی جامعه است : ( اگر پدیده ای نظم و به هم بریزه، سودمندی نداره )
- در لغت یعنی : نقش و وظیفه ( یعنی هر پدیده ای چه نقشی داره )
- نتایج حاصله از پدیده اجتماعی ( نتیجه فعالیت ها و پدیده ها برای او مهم است. )
- جامعه به عنوان مجموعه ای از نهاد ها وابسته به هم اند که ثبات دارند.
- دارای وحدت و انسجام در ذات خود می باشد. ( مثل بدن انسان )
- مشابه ارگانیسم زنده است و هر بخش وظیفه خود و کارکرد خود را دارد.
- شورش و انقلاب معنی ندارد.

- نهادهای اصلی مثل خانواده، مذهب، فرهنگ ... جامعه را به نظم می‌رسانند.
- دورکیم : دین، موجب تحکیم ارزشهای اجتماعی می‌شود.
- گیدنز در دیدگاهی نظری می‌گه : همه رویدادی اجتماعی – نظری بر حسب کارکردشان بررسی گردد.
- آگوست کنت : علوم انسان باید کارکرد علوم طبیعی را داشته باشند.
- پارسونز : عناصر اجتماع و کارکردشان صحبت کرده است. که بیشتر در خصوص نماد صحبت کرده و "مکتب کنش متقابل نمادین" ؛ کارکرد نماد در جامعه برقراری ارتباط است. آدم‌ها توسط نماد با هم صحبت می‌کنند و ارتباط برقرار می‌کنند.

#### انواع کارکرد گرایی از دیدگاه پارسونز :

- کارکردگرایی کلاسیک : بر اساس نظریه مالینوفسکی : چگونه تمام اشیاء مادی مورد استفاده قرار می‌گیرند و کارکردشان چیست؟
- کارکردگرایی نسبی گرایی : بر اساس نظریات مرتن : نقد بر اصل نظریه کارکردگرایی کلاسیک
- کارکرد گرایی ساختی : جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. الزامات تداوم جامعه است.

**نظریه تضاد :** مثل کارکردگرایان بر اهمیت و کارکرد ساختارها تأکید دارند و معتقد به تقسیم بندی اند.

## کنش متقابل اجتماعی :

اساساً به مفهومی به نام ارتباط پیوند خورده است.

فرآیندی است که ما توسط آن، با افراد پیرامونمان، کنش و واکنش برقرار می‌کنیم. (ارتباط برقرار کردن از طرف ما کنش و جواب دادن از طرف او واکنش است.)

بی‌اعتنایی مدنی : وقتی در شهر از کنار کسی رد می‌شوی و سلام نمی‌کنی :

آنتونی گیدنز برای جذابیت کنش‌های متقابل گفته است :

۱. روال‌های روزانه ما که شامل کنش‌های متقابل تقریباً ثابت می‌شود به کارهای ما شکل می‌دهد. با مطالعه این روال‌ها مطالب زیادی درباره خودمان و زندگی اجتماعی مان می‌آموزیم .
۲. مطالعه زندگی روزمره آشکار می‌کند که انسان‌ها چگونه به صورت خلاقانه رفتار می‌کنند و هر چند که رفتار اجتماعی ما، تحت تأثیر نقش‌ها، هنجارها و توقعات مشترک است. اما افراد آن‌ها را به صورت متفاوتی درک می‌کنند.
۳. مطالعه کنش متقابل اجتماعی، ما را با نظام‌ها، نمادهای اجتماعی آشنا می‌کند، زیرا همه نظام‌های اجتماعی کلان یا اصلی، به کنش متقابل اجتماعی، وابسته هستند.

## ارتباط :

۱. کلامی : زبان – صحبت

۲. غیر کلامی : چهره – ادا – نشانه – Body language

چهره و عزت نفس : چهره یک معنای محتوایی داره به نام وجهه؛ (یعنی عزت و احترام ، ادب و نزاکت حکم می‌کند که طرف و خرابش نکنیم.)

## قواعد اجتماعی و صحبت کردن :

ارتباطات و کنش‌های متقابل اجتماعی ما در اجتماع ما رخ می‌دهد. جایی است که فرهنگ بر روی اجتماع اثر گذار می‌شود. نوع گونه‌ای که ما صحبت می‌کنیم، نوعی اصطلاح و کلامی را استفاده می‌کنیم که شاید دیگری در هر کشوری آن را نفهمد.



قوانین ناگفته و نا آشکاری در اجتماع، و فرهنگ وجود دارد که به ارتباط یا صحبت کردن شکل می دهد و آن را برای ما معنی دار می کند.

### **فهم مشترک :**

هر ارتباطی حتی بی هدف و گذرا مستلزم به کار بستن فهم و دانش مشترک و پیچیده ای از سوی طرفین است. ( در خانواده و کار و ... جوابمان در سؤال : دیروز چه کردی؟ جوابمان متفاوت است.)

### **آزمایش های گار فینگل :**

چرا وقتی قراردادهای ظاهراً پیش پا افتاده ی مکالمه زیرپا گذاشته می شود پریشان یا ناراحت می شویم؟!

ثبات و پایداری و معنا دار بودن زندگی اجتماعی روزانه ما؛ وابسته به سهیم بودن، در مفروضات بیان نشده ی فرهنگی درباره ی چیستی و چرایی صحبت هاست، یا به عبارتی وابسته به فهم مشترک است.

### **تخریب کنش متقابل :**

وقتی قراردادهای ضمنی و پنهان در ارتباطات اجتماعی رعایت می شود، احساس آرامش می کنیم و هنگامی که رعایت نمی شود، احساس تهدید و نا امنی، خواهیم کرد. وقتی شخصی قواعد اجتماعی ارتباط را و فهم مشترک و یا اصول چهره و عزت نفس را رعایت نمی کند؛ در حقیقت، به تخریب کنش متقابل پرداخته است.

مثل آدمی که دیوانه است و در خیابان راه می رود و صداهایی را از خود در می آورد.

مراوده :

شامل کنش متقابل کانونی و کنش متقاب غیر کانونی است.

**این قسمت از جزوه ناقص است که تا فردا کامل خواهد شد**

## پژوهش در جامعه شناسی یا پژوهش جامعه شناختی : ( بسیار مهم )

پژوهش بر اساس یک سؤال صورت می گیرد و سؤال از نیاز نشأت می گیرد.

### فرآیند پژوهش در جامعه شناسی :

۱. تعریف مسئله یا مشکل : یعنی موضوع و مسئله ای که می خواهیم پژوهش کنیم را بدانیم.
۲. مرور متون، شواهد، مدارک و منابع : پژوهش های گذشته، تحقیقات پیشین، مقالات، کتب، گزینش/ف طرح آزمایش و ... را مورد مطالعه می کنیم.
۳. تدوین فرضیه : می خواهیم چه چیزی را آزمون کنیم؟ متغیرها چیست؟ روابط بین متغیرها را حدس می زنیم. (پیش بینی می کنیم) حدس هوشمندانه در خصوص روابط متغیرهای تحقیق فرضیه یک جمله است که احتمال دارد درست یا غلط باشد.
۴. انتخاب طرح پژوهش : روش تحقیق؟ جامعه مورد تحقیق؟ روش گردآوری اطلاعات؟ ابزارها؟
۵. اجرای پژوهش : اجرای گام به گام مراحل پژوهش، گردآوری اطلاعات، ثبت اطلاعات و طبقه بندی اطلاعات و ...
۶. تفسیر نتایج یا تحلیل نتایج : معانی و مفاهیم و نتیجه ها را از دل اطلاعات استخراج کنیم. یعنی در اینجا نتایج تحقیق با موضوع ربط داده و تفسیر می شود.
۷. گزارش نتایج یا انتشار

بررسی عوامل بروز استرس در دانشجویان مشخصاً دوره امتحانات چیست؟ متغیرها : دانشجویان

مثلاً : عدم برنامه ریزی - « باعث استرس می شود.

در نتیجه به عدم برنامه ریزی می گوئیم متغیر مستقل و استرس می گوئیم متغیر وابسته .

یکی از ابزارهای جمع آوری اطلاعات در پژوهش پرسشنامه است.

پرسش :

۱. پرسش‌های واقعی (یا مبتنی بر واقعیت) : در حقیقت برای آن مطرح می‌شوند که ما پی ببریم وضعیت چگونه است؟ به اکنون و حال مربوط می‌باشد. (چند درصد از خانم‌ها کنکور قبول می‌شوند؟)

۲. پرسش‌های تطبیقی : آیا وضع در همه جا همین است؟ وضع در جاهای دیگر چگونه است؟ یک متن و زمینه اجتماعی را در مقایسه با متن و زمینه اجتماعی دیگر بررسی می‌کند یا نمونه‌هایی از جوامع مختلف را باهم مقایسه می‌کند.

۳. پرسش‌های تکوینی : تکوین یعنی شکل گرفتن و ایجاد شدن این پرسش‌ها در رابطه با شکل‌گیری چیزی است. می‌خواهیم بدانیم این وضع در طول زمان شکل گرفته است؟ برای درک ماهیت یک پدیده باید به گذشته نیز بپردازیم و روند شکل‌گیری و زمینه‌های ایجاد آن را بررسی کنید.

۴. پرسش‌های نظری : چه چیزی در پس این پدیده نهفته است؟ برای تبیین این موضوع چه عواملی مد نظر است؟ مثلاً : چرا اکنون خانم‌ها از آقایون بیشتر درس می‌خوانند؟

رابطه علی : رابطه‌ی علی بین دو رویداد یا پدیده یا وضعیت، رابطه‌ای است که در آن یکی از رویدادها یا پدیده‌ها موجب پیدایش دیگری می‌شود. (خانم‌ها در منزل محصور بشوند در نتیجه افسرده می‌شود.)

رابطه همبستگی : به معنای وجود رابطه‌ی منظم بین دو متغیر است.

## روش های تحقیق در جامعه شناسی :

### ۱. قوم نگاری :

مطالعه ی بدون واسطه ی مردم و گروه ها در طول یک دوره زمانی مشخص با استفاده از روش مشاهده یا مصاحبه محقق ممکن است چند ماه یا حتی چند سال همراه با یک گروه، سازمان یا جامعه، کار یا زندگی کند. محقق باید نقش فعال در فعالیت های روزانه به عهده بگیرد، رویداد ها را مشاهده و جویای توضیح و علت تصمیم ها، کنش ها و رفتارها شود. وی باید حضور خود را توجیه و اعتماد آن ها را جلب کند.

### • مزایای قوم نگاری :

در مقایسه با سایر روش ها، معمولاً اطلاعات عمیق تر و مفصل تری بدست می دهد. قوم نگاری می تواند فهم کلی تری از، فرآیند های اجتماعی فراهم سازد.

### • معایب قوم نگاری :

فقط می توان در مطالعه ی اجتماعت و یا گروه های نسبتاً کوچک از قوم نگاری استفاده نمود. از طرفی یافته ها را فقط می توان به گروه ها یا اجتماعات مورد مطالعه نسبت داد و به جوامع دیگر نمی توان تعمیم داد.

### ۲. پیمایش :

چون در قوم نگاری، فقط تعداد اندکی از مردم مورد مطالعه قرار می گیرند، نمی توانیم مطمئن باشیم که در مورد جوامع دیگر نیز صدق می کند و تا حد زیادی وابسته به برداشت های شخصی است. اما روش پیمایش روشی است که ماهیتی کمی دارد. و کمتر تحلیل ها و برداشت های شخصی در آن دخالت دارد.

- **هدف پیمایش :** گرد آوری داده هایی است که بتوان آن ها را تجزیه و تحلیل آماری کرد تا الگوی منظم و تکراری آن مشخص شود.

- رایجترین ابزار گردآوری اطلاعات در پیمایش پرسشنامه است.

- **محاسن پیمایش :**

امکان گردآوری داده های مربوط به تعداد زیادی از مردم را فراهم می کند

اطلاعات کمی تر، دقیق تر و قابل تجزیه و تحلیل آماری است.

قابل تعمیم بودن

امکان مقیاسه بین پاسخ ها افراد وجود دارد.

- **معایب پیمایش :**

اطلاعات سطحی و ظاهری است.

تفاوت های مهم میان دیدگاه های پاسخ دهندگان پوشیده می ماند.

شاید پاسخ ها صادقانه و درست نباشد.

### ۳. آزمایش :

به معنای آزمون کردن یک فرضیه در شرایط کاملاً کنترل شده است و اصولاً در علوم طبیعی

استفاده می شود. کار برد آن در جامعه شناسی بسیار محدود است و در موارد کمی می توان

افراد را وارد آزمایشگاه کرد. زیرا حضور افراد در آزمایشگاه و دانستن اینکه تحت آزمایش

هستند، بر رفتار آن ها اثر می گذارد.

- **محاسن آزمایش :**

- پژوهشگر می تواند تأثیر متغیر های مورد نظر را کنترل کند

- تکرار آن برای پژوهشگران دیگر آسان است.

- **معایب آزمایش :**

بسیاری از جنبه های زندگی اجتماعی انسان ها را نمی توان به آزمایشگاه وارد کرد.

پاسخ ها و واکنش های آزمایش شوندگان ممکن است تحت تأثیر وضعیت آزمایشی قرار گیرد.

#### ۴. روش های اسنادی:

۱. تاریخچه زندگی : مرکب از اطلاعات زندگی نامه ای است که در باره ی افراد خاص تألیف می شود. معمولاً به همان شیوه ای که خود آن افراد به یاد می آورند. بهترین روش درباره تکوین عقاید و افکار در طول زمان است.
۲. تحلیل تاریخی : داشتن نگرش تاریخی غالباً برای پژوهش های جامعه شناختی، حیاتی و ضروری است. چون ما اغلب نیازمند چشم اندازی زمانی هستیم تا اطلاعاتی را که درباره ی مسئله معینی گردآوری کرده ایم درک کنیم. برخی از دوره های تاریخی را در صورتی که هنوز بازماندگان آن باقی مانده باشند، می توان به طور مستقیم مطالعه کرد.

#### ۵. روش های ترکیبی : چند روش بالا و ترکیب می کنند.

پژوهش در تاریخ شفاهی : به معنای مصاحبه با مردم درباره ی رویدادهایی است که آن ها در مراحل پیشین، زندگی خود شاهد آن بوده اند. اینگونه پژوهش ها فقط می تواند به اندازه ی طول عمر این افراد به عقب برگردد. اما اسناد و اطلاعات قدیمی تری که ثبت و ضبط شده اند نیز به عنوان منابع تاریخی و جامعه شناختی اهمیت فزاینده ای دارد.

با تشکر از شما - ۹۱/۱۰/۱۶

یا علی